



تیسفون

تیسفون در هفت فرسخی جنوب
بغداد در دو جانب دجله واقع
است .

درباره وجه تسمیه و اسم
آن نظریات مختلف ابراز شده
است . بزبان پهلوی آنرا
تیسفون می‌گفتند مدائن اسمی
است که اعراب برخرابه های
دو مرکز وصل بیسکدیگر یعنی
کتیسفون^۱ و سلوکیه گذارده-
اند و آن دو شهر راسه قرن پیش
از میلاد (تقریباً) سلوکی های
بنیاد نهادند .

سلوکیه در جهت باختری
دجله بنام سلوکوس نیکوتر ،
نام کزاری شده است .

نام کتیسفون را که اعراب
برای اختصار تیسفون نامیدند

بمعلم

ستوان دوم منوچهر شجاعی

1-Keti: ph.one





معلوم نیست از کجا گرفته اند گرچه بنظر یونانی میآید ولی احتمال دارد که از یک اسم قدیمی فارسی اخذ شده باشد.

این پایتخت در کتب مورخین و گویندگان و نویسندگان بنام های: تیسفون، مدائن، ایوان مدائن، طاق مدائن، طاق کسری، ایوان کسری، تخت کسری، بارگاه خسرو و ایوان خسرو ذکر گردیده است.

تیسفون پایتخت دولت شاهنشاهی و مورشاهنشاهان ایران در زمان خسرو انوشیروان به منتهای وسعت خود رسید. تیسفون نام بزرگترین شهر از چند آبادی بود که مجموع آنها را بزبان سریانی «ماهوزه» Mahozé میخواندند و گاهی ماخوزه ملکا (یعنی شهرهای پادشاه) مینامیدند و نیز «مذیاناتا» یا «مذینه» (شهرها) میگفتند و عرب این لغت را المدائن خوانده است. مجموع این شهرها را بزبان پهلوی شهرستان میخوانده اند.

در اواخر دولت ساسانی مدائن مشتمل بر هفت شهر بود، مورخان عرب و ایرانی که کتب خود را در زمان ویرانی یا زوال مدائن نوشته اند تعداد آنها را باختلاف ذکر کرده اند. بهر حال تیسفون و شهر وه اردشیر که همان سلوسی قدیم است از مهمترین شهرهای مدائن بشمار میرفته اند.

در سال ۵۴۰ میلادی که انوشیروان انطاکیه و سلوکیه را فتح کرد برسم پادشاهان ایران اهالی سلوکیه را به تیسفون کوچانید و در قسمت خاوری دجله جای داد این شهر تا یک قرن بعد که اعراب عراق را فتح کردند پابرجا بود نام آن تبدیل به شهر رومیها شده بود، بعضی از مورخان ذکر کرده اند که شهر مزبور بشکل انطاکیه ساخته شده بود. در داستانها آمده است که این شهر را طوری شبیه انطاکیه بنا کرده بودند که هر یک از مهاجرین منزل خود را با سانی یافت. کسری در آنجا چندین حمام و یک میدان اسب دوانی بنا نمود و بسکنه آن امتیازات و عنایات مخصوص مبذول داشت از جمله مسیحیان را آزادی مذهبی اعطاء نمود. اهالی این شهر مستقیماً تحت نظر شاه قرار گرفتند و هر گاه مجرمی به آنجا پناهنده میشد کسی حق نداشت متعرض او بشود. آمین گوید: «پایتخت ایران وضعی داشت که در موقع جنگ غلبه بر آن ممکن نبود، تیسفون در جانب شرقی دجله و وه در سمت غربی آن واقع بود.





ارتباط این دو شهر در آغاز فقط بوسیله يك جسر میسر بود، اما چون آمدورفت را کفایت نمیکرد شاهپور دوم در عنقوان جوانی يك جسر دیگر برد جلّه بست تا آیندگان از پلی و روندگان از پل دیگر بگذرند فردوسی شاعر حماسه سرای ایران ساختمان این پل را چنین ذکر کرده است :

چنین تا بر آمد بر این پنجسال	بر افروخت آن کودك فروبال
نشسته شبی شاه در تیسفون	خردمند مؤبد به پیش اندرون
خروش آمد از راه اروند رود	به مؤبد چنین گفت هست این درود
چنین گفت مؤبد بدان شاه خرد	که ای نیک دل نیک پی شاه گرد
کنون مرد بازاری و چاره جوی	ز د که سوی خانه دارند روی
چو برد جلّه يك برد گر بگذرند	چنان تنگ راه بر می بسرند
بترسد همی هر کس از بیم آب	چنین بر خروشد چو گیرد شتاب
چنین گفت شاهپور با موبدان	که ای راهبر نامور بخردان
یکی پل دیگر بساید زدن	شدن را یکی راه و باز آمدن

شکل تیسفون

تیسفون دارای حصارى بشکل نیمدایره بابرجهای زیادی بود . وسعت زمینی که بین شطو این حصار افتاده بود بطوریکه آثار آن هنوز دیده میشود تقریباً به ۵۸ هکتار میرسد و این همانست که آنرا مدینه المتیقه (شهر قدیم) میگویند . در مشرق تیسفون محله اسپانبر Aspanbar واقع بوده که امروز بقعه سلمان پاک است .

این بیت از قصیده معروف خاقانی مؤید این امر است :

هر کس برد از مکّه سبزه ز گل حمزه پس تو ز مدائن بر سبزه ز گل سلمان
بقعه سلمان پاک که از آثار دوره اسلامی است در این ناحیه قرار دارد و زیارتگاه مسلمین میباشد و هم در آنجا آثار خرابه های بسیار موجود است که طاق کسری را احاطه کرده اند این اراضی ظاهراً باغ و بستان کاخ شاهی بوده است .

زاویه دیواری که امروز آنرا دبستان کسری میخوانند در حقیقت بقیه دیواری است که باغ گوزنان خسرو را احاطه میکرده است . اراضی محله اسپانبر

(۳)





از سمت جنوب محدود به بستر قدیمی دجله میشده است در این محل تلی هست که آنرا خزانه کسری مینامند و ظاهراً بنیان بنای عظیمی در زیر آن پنهان میباشد.

در مغرب دجله آثار حصار دیده میشود که مساحتی قریب ۲۸۶ هکتار را احاطه نموده است. این شهر سلوسی است که قدیمترین قسمت های پایتخت بشمار میرود. اردشیر اول بخشی از آنرا مجدداً بنا کرد و آنرا وه اردشیر نام نهاد. مصالح ساختمانی این شهر از بابل آورده شده و قسمتی از ساکنین این شهر نیز از بابلی ها بودند و از سلوکیه سوریه اهمیت آن بیشتر بوده است.

سلوکیه معظمترین شهر و بر حسب نوشته استرابن بعد از اسکندریه مصر مهمترین شهر بوده و در حدود ۶۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت داشته است و از لحاظ زیبایی و عظمت سرآمد شهرها و از انطاکیه سوریه برتر بوده است.

شهر حصار آجری که به خندق محدود میشده داشته است وه اردشیر بسیار بزرگ و کوچه های آن سنگ فرش و در کنار هر خانه ای آغلی جهت نگاهداری چارباغان موجود بود. بازار شهر بزرگ و تجار و سوداگران بسیاری منجمله تجاریهودی داشته و در نتیجه شهری ثروتمند و پر جمعیت و مردمش در عیش و عشرت و تن آسایی بسر می بردند.

شهر وه اردشیر مرکز عیسویان ایران محسوب میشد. ابنیه متبر که و مزاری مانند کلیسای سن نر کس Sant Narkas و مکتب روحانیان که در قرن ششم تأسیس شده بود کلیسای بزرگ سلوسی که هنگام آزار عیسویان در زمان شاهپور دوم خراب شده بود، پس از مرگ این پادشاه مجدداً بنا گردید و چندین بار یکمک نقدی دولت روم مرمت یافت. در حدود پنج کیلومتری شمال وه اردشیر شهر کوچک درزیدان Darzanidhan واقع بود. شهر دیگری موسوم به ولاشاباز (سابات - والاش آباد) که از تأسیسات ولاش (بلاش) بشمار میآید در ساحل راست ظاهراً در مغرب وه اردشیر قرار داشت.

مدائن از هفت شهر باسامی معینی که در تلفظ آنها اختلاف وجود دارد تشکیل میشد، گویا پنج شهر از آن هفت شهر در زمان یعقوبی یعنی قرن





سوم هجری وجود داشته است از این قرار: شهر قدیمی یعنی تیسفون و یک میلی جنوب آن اسپانبر و مجاور آن رومیه که هر سه در جانب خاوری دجله قرار داشتند در جانب دیگر بهر سیر که اصل آن وه اردشیر است و در یک فرسخی جنوب آن سابات که بنابقول یاقوت حموی ایرانیان آن را بلاش آباد (ولاش آباد) مینامیدند.

در دو طرف دجله کاخهای سلطنتی برپا بود و در زمان شاهپور دوم کاخ کوچک زیبایی در خارج سلوسی مشرف بردشتی که از اشجار کوچک و تاک و سرو پوشیده بود ساخته شد. دیوار اطرافها مزین بنقوشی بود که پادشاه را در حال شکار حیوانات وحشی نشان میداد.

پادشاه معمولا در کاخ سلطنتی تیسفون خاص اقامت داشت و قصر او نزدیک شط واقع بود و محتمل است که این کاخ همان کاخ سفید باشد. اما این کاخ از آغاز قرن چهارم چنان رو به ویرانی نهاد که اثری از آن باقی نماند و بهمین علت است که مورخین بعدی کاخ سفید و ایوان کسری را طاق کسری دانسته اند و آن تنها اثری است که تا امروز از ابنیه و عمارات پادشاهان ساسانی در آن محل پایدار مانده است. در اواسط قرن دوم هجری که منصور خلیفه عباسی خواست بغداد را بسازد مصمم شد طاق کسری را خراب نموده سنگ و آجر آنرا در بنای شهر جدید بکار برد. خالد برمکی وزیر ایرانی او هر چه سعی کرد خلیفه را از این تصمیم و حشیانه بازدارد مؤثر واقع نشد اما چون بخراب کردن طاق شروع کردند معلوم شد که خرج و زحمت خراب کردن آن از ساختن و تهیه کردن آجر و سنگ بیشتر است. لذا از خراب کردن طاق منصرف شدند و ایوان کسری چنانکه یاقوت حموی آنرا متذکر شده است از خطر ناپهنگامی که به آن روی آورده بود رهائی یافته بجای خویش استوار ماند. چندی بعد مقداری از سنگهای آنرا برای باروی قصر جدید تاج در بغداد که در سال ۲۹۰ هجری قمری بامر مکتفی خلیفه عباسی ساخته شد بکار بردند. ساختمان طاق کسری یا ایوان کسری را بخسرو اول نسبت میدهند. بعقیده محقق عالیقدر هر تسفند این بنا مربوط بزمان شاهپور اول میباشد.

(۵)





لیکن مسیو روتر روایات متداوله را تأیید کرده است و گوید طاق کسری بار گاهی است که خسرو اول بنا نهاد مجموع خرابه های این کاخ و متعلقات آن مساحتی بعرض و طول 400×300 کز را پوشانیده است در این مساحت آثار چند بنا دیده میشود علاوه بر این طاق کسری عمارتی است در فاصله ۱۰۰ کز در مشرق طاق. طاق کسری تنها قسمتی است از کل عمارت که ۴۸ متر ارتفاع و ۹۱ متر طول و ۳۶ متر عرض داشته و در طرفین آن چهار تالار بزرگ که هر یک ۲۳ متر طول و شش متر عرض داشته بیکدیگر مربوط و متصل بوده است. نمای عمارت شاید از ساروج منقش یا سنگهای مرمر یا چنانکه بعضی از نویسندگان جدید ادعا کرده اند از صفحات مسین زراندود و سیم اندود پوشیده بوده است. در زیر طاق بزرگ رواقی بنام آبادانا یا تالار بار بوده که ۳۵ متر ارتفاع و ۴۳ متر طول و ۲۵ متر عرض داشته و مقر شاهنشاه بوده است. تا سال ۱۸۸۸ تالار بزرگ مرکزی برپا بوده اما در آن سال جناح شمالی اش خراب شده و اکنون جناح جنوبی آن نیز در شرف انهدام است.

۶ طاقنما در اطراف طاق هلالی قرار گرفته و ضخامت دیوارهایی که طاق بزرگ بر روی آن استوار بوده است در پائین ۷ متر و در جاهیکه شروع میشود ۴ متر و در آخرین نقطه هلالی یک، متر قطر دارد.

در سقف تالار ۱۵۰ روزنه بقطر ۱۲ تا ۱۵ سانتیمتر تعبیه کرده بودند که نوری لطیف از آنها بدرون میتافت و برای تهویه نیز تنبوشه های سفالین که در حدود بیست سانتیمتر قطر داشته در آن بکار برده بودند تا هوای کاخ را خنک کنند شکوه و جلال کاخ باستانی پادشاهان ساسانی بطوری بود که اشخاصی را که برای بار اول باین محل قدم نهاده بودند چنان مات و مبهوت میکرد که بی اختیار بزانو در میآمدند. بار عام در تالار های طاق کسری برگزار میشد در روز معین جماعت کثیری بدر گاه رومی نهادند و در اندک مدتی تالار بزرگ پر میشد و کف و دیوارها را هم با قالی می پوشانیدند و هر جا که قالی بردیوار نبود تصاویر معرق (موزائیک) که با مر خسرو ساخته شده بود میکوبیدند از جمله این نقش ها تصاویری بود که محاسن انطاکیه و محارباتی را که در حوالی





این شهر واقع شده بود نشان میداد. تخت سلطنتی را در آخر تالار می نهادند و در پشت پرده آنرا پنهان میکردند صاحبان درجات عالی و اعیان و بزرگان بفواصل مقرر از پرده می ایستادند و نیز مأموری در آنجا میگذاشتند که مقام بزرگان را از قرار گاه جماعت جدا کنند تا گاه پرده بکنسار میرفت و شاهنشاه بر روی تخت ظاهر میشد که بر بالش زربفت تکیه داده و جامه زربفت پوشیده بود تاج که مرصع به زروسیم و مروارید و یاقوت و زمرد بود بوسیله زنجیری از طلا بسقف آویخته بود. این زنجیر چنان نازک بود که از دور دیده نمیشد چون شخص از مسافتی نگاه میکرد می پنداشت که واقعاً تاج بر سر شاه قرار دارد در صورتیکه این کلاه چنان سنگین بود که هیچ سری قاب نکاهد اشتن آنرا نداشت.

جلال کاخ باستانی پادشاهان ساسانی موضوع گفتگوری مورخین و جغرافی نویسان عرب واقع گردیده و در این باره از بسط کلام دریغ نکرده اند. یعقوبی میگوید: «ارتفاع آن طاق بلند به ۸۰ ذراع میرسید». یاقوت حموی از چگونگی آجرهای آن طاق سخن رانده گوید هر آجری يك ذرع طول داشت و کمتر از يك وجب عرض. حمدالله مستوفی گوید: «صحن آن سرای ۱۵۰ گز بوده و در آنجا صفاهای بزرگ وجود داشته است».

اصطخری در مسالك و ممالك توصیف مدائن را در زمان خود چنین نوشته: «مدائن شهری کوچک است قدیم سخت عظیم بوده است از بغداد تا آنجا يك وحله و آرامگاه پادشاهان بوده است، ایوان کسری آنجا است و به سنگ و گچ بنا کرده اند. اکاسره را هیچ بنا عظیم تر از آن نبوده است».

ابن خردادبه گوید: «کاخ کسری در مدائن از همه بناها تکیه با گچ و آجر ساخته شده بود بهتر و زیباتر است و بیستی چند از قصیده بختری را که در وصف این ایوان سروده نقل کرده است.

«ایران از شکفتی بنا پنداری شکافی است در پهلوی کوهی بلند، کوهی رفیع است که کنگره هایش بر قلل رضوی و قدس مشرف است.

(۷)





کس نداند که آدمی آنرا برای آرامگاه جنبیان ساخته است یا جن برای آدمیان»^۱.

مسعودی مینویسد : عظمت و شکوه کاخ کسری بسفیر امپراطور روم نموده شد و آن مورد تحسین واقع گردید ولی او وقتیکه ملاحظه نمود که شکل عمارت در جلو بیقاعده و نامنظم است تعجب نمود و سبب آنرا جویاشد اطلاع دادند پیر زنی آنرا مالک بود که بهیچ قیمتی حاضر بفروش نشد. کسری هم نخواست آنرا بزور بگیرد. سفیر فریاد کرد : این نامنظمی و نقص بمراتب زیاتر از مری می باشد که بتمام معنی کامل است.

بهمن مناسبت در نیکوکاری بانیش واستحکام این بنا چنین گفته اند :
جزای حسن عمل بین که روزگار هنوز خراب می نکند بارگاه کسری را
شاعر شهر ایرانی خاقانی شروانی چون در سفر مکه زیارت بغداد ویرانه
های کاخ شاهی ساسانیان را که شکسته و نمونه جاه و شکوه دیرین ما بوده از
دریچه چشم جویان و گریان نگر بست قصیده نغزی سروده است که مطلع آن
با این بیت شروع میشود :

هان ای دل عبرت بین از دیده نظر کن هان

ایوان مدائن را آئینه عبرت دان

تصرف مدائن در سال ۱۶ هجری

پس از فتح نبرد قادسیه عمر سعد لشکر خود را برای مدت ۲ ماه استراحت داد. تا هم سربازان عرب استراحت نمایند و در ضمن نیز قایقهای متعددی برای نبرد بعدی فراهم آورند. خود عمر سعد نیز بعد از چندی به حیره وارد شد و پس از گذشتن از فرات نزدیک برج بابل آمده و تمام آن نواحی را تصرف نمود تا اینکه خود را بکنار دجله رسانید و آماده پیش رفتن بسوی مدائن

۱ - وکان الایوان من حجاب الصنعة

جوب فی جنب ادر عن جلس

مشعر تطلوه شرفات

وقت فی رؤس رضوی و قدس

لیس یدری اصنع انس لجن

سکنوه ام صنع جن لاذ





گردید. در نبردی که بین سپاهیان عرب و ایرانیها اتفاق افتاد عرب بهامو قنیت بدست آورده و سپاهیان ایران را به قمبر اندند. زمانی که اعراب نگاه خیره شان از آن طرف رود بطاق کسری افتاد این فرزندان وحشی صحرا به پایه های حیرت انگیز آن که آوازی آنرا دور دور شنیده بودند به هیبت نگریسته یکمرتبه از حلقوم هزاران از این اعراب صحرا نورد صدای تکبیر بلند شد و همگی با آواز گفتند: **الله اکبر** و چنین خیال کردند منزل و مقصودی که خداوند بآنها توسط پیغمبرش وعده داده بود همین است که حالا بآن رسیده اند.

باید یاد آور شد ناحیه غربی این شهر یعنی سلوکیه قدیم و طرف راست ساحلی رودخانه است حکاماتی داشت که محکمتر از آن بود تا با ادواتیکه اعراب در اختیار داشتند بتوانند از عهده کشودن آن بر آیند. ولی این ناحیه در اثنا محاصره بعلت عدم وجود مواد غذایی و قحطی متصرف و باطاعت اعراب درآمد.

پادشاه ساسانی هنوز از مواضع خود دفاع میکرد و با اینکه وسائل دفاعی کمی در اختیار داشت بدفاع دلیرانه مشغول بود آنچه که بیشتر او را بدفاع بر می-انگیخت فراوانی آبدجله و عدم قدرت فایق های جنگی اعراب بود. یزدگرد مدتی باین ترتیب توانست حملات آنها را بی ثمر گذارد ولی همینکه باو خبر دادند مسلمانان بدجله نزدیک شده و میخواهند از آنها با قایق های نیرومند عبور کنند از تیسفون خارج گردیده و دفاع مداوم را به مهران رازی سپرد بانوان حرم و شاهزادگان و مقداری از مال و منال را به حلوان فرستاد ولی قسمت اعظم ثروت و اسباب و ظروف زرین و سیمین و جواهرات و فرش و اشیاء گرانها در خزائن باقی ماند.

بنابر این مدائن بدون جنگ بتصرف سپاهیان اسلام درآمد.

در تیسفون غنائمی بدست اعراب افتاد که هیچوقت از مخبئه آنها خطوط نکرده بود و از دیدن قصور و عمارات مجلل و باشکوه و باغهای عالی مات و مبهور گردیدند. حتی از تشخیص اموال و غنیمت هائیکه بدست آوردند عاجز بودند و نمیتوانستند بفهمند که چیست اکثر آنها طلا را برای اولین بار در اینجا دیدند.

(۹)





از جمله این اشیاء گرانبها یکی قالی زربفتی معروف به «فردوس شاهی» یا بهارستان کسری بود که طول آن ۷۰ و عرض آن ۶۰ آرش بود.

موثر Muir این فرش را چنین توصیف میکند: این فرش باغی رانمایش میداد که خاکش از طلا و زمین آن از نقره و چمن آن از زمرد و جویبارش از مروارید بوده است و نیز اشجار و گلهای وریاحین آن تماماً از خرده های درخشان الماس و یاقوت و سایر جواهرات گرانبها تشکیل یافته بود.

طبری میگوید: «سعد چون بمدائن آمد کسی رانیافت نگاه کرد کوشکی و باغهای خوش دید این آیت بخواند: کم تر کومن جنات و عیون و زروع و مقام کریم و نعمت کانوافیهافا کهبین.

در شهر فرودنیامد و با یوان فرود آمد و آن ایوان هنوز در مداین بجاست ۱۲۰ آرش بهنای آن صفه است و ۶۰ آرش طول آن و همه خشت آن از سنگ تراشیده و بدان بنا کرده و ۱۲ ستون بر رواق زده هر ستونی ۱۰۰ آرش از سنگ تراشیده و آن کسری بن قباد بن فیروز کرده است و در روز مظالم آنجا تخت زربنهادی. سعد بدان ایوان درون شد و هشت رکعت نماز کرد بیک سلام سپاسداری فتح را و این نماز سنت است از پیغمبر که روز فتح مکه گزارد و سعد این نماز عام بگزارد و عمر و بن مقرن را بر غنائم حاکم کرد و ضادی کرد که هر چیزی بیابد نزدیکوی آرد تا بر مسلمانان قسمت کنند و بعد از آن بمسئدان درون شد و در کوشک کسری فرود آمد چندان خانه ها دید که عدد آن کسندانست مگر خدای عزوجل از زرو سیم و جامها و جواهر و سلاح و فرش لشکر پراکنده شدند و آن مالها جمع کردند و نزدیک عمر و بن مقرن می بردند و تا اموال بسیار جمع شد خمس آنرا بیرون کرد و همه را قسمت کردند بر آن شصت هزار مرد هر مردی را ۱۲ هزار درهم رسید سوای آنچه به عمر بن خطاب فرستادند و آن چیزها بود که نتوانستند شکست و از آن جمله بود که در پل نهر و ان شتری یافتند و برو صندوقی و در آن سندوق حقه و پیراهن کسری در آن حقه بود از مروارید یافتند و در میان هر مروارید یاقوت و دیگر جامهای زربفت و تاج کسری و انگشتری و ده دستارچه زربفت همه اینها را به عمر بن الخطاب فرستادند و در خزینه زره از زرو و خود و ده همه زرین و ۶ زره سلیمانی و ۱۰









شمشیر گرانمایه اینهارا به عمر فاروق فرستادند و اسبی یافتند زرین و بر روی زینی از سیم گورها در آن نشاندند و آستر بود سیمین و آنرا نیز به عمر فرستادند و از آن چیزها که به عمر فرستادند دیگری آن بود که فرشی بود ۳۰۰ آرش بطول و بعرض ۶۰ آرش که آنرا فرش زمستانی خوانند ملوکان عجم آن را بگسترانیدند در وقتی که در جهان سبزه و شکوفه نبود در کناره های آن زمرد بافته چنانکه همانند کشتزار و ریاحین بودی و از آن گورها از اقسام آنک نشاندند و عوض شکوفه بگوهر تعبیه نموده بودند .

چون اموال بمدینه رسید عمر بن الخطاب بفرمود که آنها را در مسجد مدینه بنهاند تا مردمان بدیدند و حیرت گردند و خلیفه آنها را بر مسلمانان آنجا قسمت نمود و آن بساط به امیر المؤمنین علی علیه السلام داد و امیر آنرا بهشت هزار درم بفروخت خلق جهان از مصر و شام و یمن روی بمدینه نهادند و آن گورها بخریدند .

در شماره ۱۹ سال ۲۵ مجله خواندنیها ترجمه نامه ای که سعد وقاص برای عمر بن الخطاب نوشته است به نقل از کتاب «کورت فریشلر» آلمانی آمده است که چنین نوشته شده: «اطاقهای این قصر مفروش از طلا است و بجای خشت در کف اطاقها طلا نصب نموده اند ولی من تصمیم دارم که هر چه در کف اطاقها یا بردیوارها است جمع آوری نمایم و چیزهای دیگر برای تو بفرستم . در بعضی از اطاقهای این کاخ مجسمه هایی از مرمر و نقره و طلا دیده می شود و من مجسمه های زرین و سیمین را با غنائم دیگر برای تو خواهم فرستاد تا اینکه تحویل بیت المال بدهی هر یک از اطاقهای این کاخ مستور از طلا و بدون فرش است . لیکن اطاقهایی که کف آنها از طلا نبوشانیده اند فرش دارد و فرشها را قالی بافان برای اطاقهای این قصر بافته اند بطوریکه نه کوچک و نه بزرگ است و هر قطعه فرش، يك اطاق را مفروش مینماید .

در این قصر تالاری هست که مخصوص بارعام پادشاه ساسانی بوده و در آن تالار يك قطعه فرش گسترده شده که گرانبها ترین فرش جهان است و قالی بافان ایران ۲۵ سال مشغول بافتن آن بوده اند نقش آن فرش طوری است که منظره صحرا را در فصل بهار نشان میدهد و تمام علف ها و درختها و گلها و پرندگان (۱۳)





و جانوران در آن نقشه دارای رنگ طبیعی هستند و انسان وقتی آن فرش را از نظر میگذراند مثل اینست که يك منظره بهاری را می بیند .

در يك طرف ای کاخ که من اکسون در آن سکونت دارم عمارتی وجود دارد که دارای ۱۰ ذرع ارتفاع میباشد و دارای ده طبقه است .

سلاطین ساسانی هنگامی که در مدائن بسر میبردند شمای تابستان بالای آن عمارت می رفتند . وقتی قدم بطبقه دهم می نهادند هوارا خنک می یافتند و تمام وسائل راحتی آنها در طبقه دهم فراهم شده بود .

قصر سلطنتی در مکانی ساخته شده که نسبت برود دجله ارتفاع دارد و آب دجله نزدیک این قصر سوار بر آن میشود ولی معماری که این کاخ را ساخته اند از نقطه های دور در جاهاییکه دجله ارتفاع دارد آب را بقصر آورده اند بطوریکه آب دجله پوسته در جویهای این قصر جاری است و از فواره ها جستن می نماید و برای اینکه هرگز آب گل آلود وارد حوض نشود در قسمتی از کاخ سلطنتی يك منبع بوجود آورده اند که آب دجله بعد از ورود بآن منبع ته نشین میشود و آب زلال وارد جویها و استخرها میگردد .

طلائی که تا ام وز نصیب ماشده بقدری است که مسلمین میتوانند با آن عمارتی بسازند که بجای خشت در آن شمش های طلاکار گذاشته شود آنقدر جواهر نصیب ما گردیده که میتوانیم جواهر را پر از جواهر کنیم و با ترازوی رومی آنرا وزن نمائیم .

حفارانیکه در سالهای ۱۹۳۱ - ۱۹۳۲ درام السعائیر و المعارید (دو تپه در شرق و شمال طاق کسری) کاوش کرده اید بنیان چند کوشک ساسانی را یافته اند واج سموت Wacht Smuth موفق بکشیدن نقشه آنها شده است مقدار زیادی قطعات ساروجی که زینت عمارات بوده بدست آمده است از قبیل نقوش برک خرمائی و غنچه گل و نقوشیکه عربسک میخوانند Arabesque و در معماری پیشرو سبک عربسکی است که در صنایع اسلامی ظهور کرده است و اشکال حیوانات و صفحات مستطیل با تصویر خرس و گراز و صورت درخت زندگانی که طاوسان بر آن نشسته اند و آجرهاییکه تصویر پسران و دختران و شاهزادگان بر آنها رسم است پیدا شده و در میان این قطعات (۱۴)





شکسته مجسمه های کوچکی نیز بدست آمده است از زنان رقامس و نوازندگان
عود و امثال آن .

این بنا کم کم در اثر مرور زمان و عدم توجه دولت عراق رو بخرابی رفت
تا اینکه اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران که همیشه به
حفظ و نگهداری آثار باستانی علاقه فراوانی دارند ، در سال ۱۳۴۲ اوامری از
طریق انجمن آثار ملی صادر فرمودند و قرار بر این شد که انجمن آثار ملی با
همکاری وزارت امور خارجه و وزارت فرهنگ و هنر و یونسکو هر چه زودتر
بمرمت کاخ ساسانی بپردازد .

در سال ۱۳۴۳ هیأت باستانشناسی ایران بسرپرستی آقایان مهندس
فروغی و مهندس سیحون و نصرت الله مشکوتی نماینده وزارت فرهنگ و هنر
و معارفی معمار معروف ابنیه های تاریخی به محل عزیمت نموده و پس از بررسی
محل طاق کسری بایران بازگشتند .

در سال ۱۳۴۴ کارشناسان ایتالیائی بمحل طاق کسری عزیمت نموده ماکت
و وضع ساختمان و مخارج آنرا تهیه و برآورد نمودند . قرار است پس از تهیه
مقدمات اولیه مرمت این بنای باشکوه تاریخی آغاز گردد .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی





مآخذ و منابع

- | | |
|---|----------------------------|
| تألیف کریستن سن ترجمه مرحوم رشید یاسمی | ۱ - ایران در زمان ساسانیان |
| تألیف عباس شوشتری | ۲ - تاریخ ساسانیان |
| تألیف سریر سی ساییکس ترجمه مرحوم فخر داعی | ۳ - تاریخ ایران |
| تألیف فرصت شیرازی | ۴ - آثار عجم |
| تألیف لسترنج | ۵ - سرزمینهای خلافت شرقی |
| تألیف مرحوم سعید نفیسی | ۶ - تمدن ساسانیان |
| تألیف پروفسور کریشمن ترجمه دکتر معین | ۷ - ایران از آغاز تا اسلام |
| ترجمه دکتر محمد جواد مشکور | ۸ - تاریخ طبری |
| تألیف بارتلد ترجمه حمزه دارد | ۹ - جغرافیای تاریخی ایران |
| تألیف کریستی ویلسن ترجمه عباس فریار | ۱۰ - تاریخ صنایع ایران |

